

گفت‌وگو صبا با امین سعدی

کارگردان تئاتر

ما بیکار ننشسته‌ایم



او، در حال حاضر در شهرستان هسستیم. خوشبختانه طراح صحنه خبره تئاتر، امیر پناهی نیز اینجااست، به اتفاق او تصمیم گرفتیم که در همین مدت با استفاده از ظرفیت‌های نمایشی و گروه بازیگران فعال شهرستان، دوره‌ای آموزشی و نمایشی به راه بیندازیم و از همین حالا به دنبال مقدماتش هستیم.

با این وصف آیا به بازگشت مادی و بازدهی اقتصادی این تصمیم هم فکر کرده‌اید؟

به هیچ عنوان و اصلاً در واقع از همین حالا می‌دانیم که این کار هیچ درآمدی ندارد که بخواهیم به دنبالش باشیم و یا به آن فکر کنیم. بیشتر برای تعامل و ایجاد یک حال خوب است. راستش به این فکر کردم که در موقعیت ناگوار پیش آمده هر جور که از دستم برمی‌آید کنار مردم و هنرمندان باشم و بیشتر آن را یک وظیفه انسانی می‌بینم تا کار...

بلافاصله بعد از شروع جنگ، دوباره اولین مکانی که تعطیل شد، سالن‌های نمایش بود، هر چند که این بار عدم استقبال خود تماشاگر از نمایش‌های در حال اجرا هم مبرز است، با این حال به نظرتون، چگونه می‌شود فکری به حال نمایش‌های معلق، نمایش‌های آماده که به اجرا نرسیدند و حتی نمایش‌های در حال تمرین کرد که در این شرایط آسیب کمتری ببینند؟

در هر دوره و با هر پیشامد ناگوار، باید به دنبال راه حلی از جنس خود آن مسئله گشت. مثلاً به یاد دارم در دوران کرونا، پس از مدتی تعطیلی و وقفه، سالن‌ها با یک سوم تماشاگر شروع به کار کردند، یعنی با فاصله میان صندلی تماشاگران و اطمینان از رعایت بهداشت تئاترها به روی صحنه رفتند. همچنین برای کمک معیشتی به هنرمندان بسته‌های حمایتی اهدا شد و واریزی‌هایی به حساب هنرمندان انجام شد، هر چند که این واریزی‌ها اندک بودند، اما موثر واقع شد. این اقدامات از سوی صندوق هنر صورت گرفت. اکنون در آغاز جنگ به سر می‌بریم، اگر این جنگ فرسایشی شود و این تعطیلی‌ها ادامه پیدا کند، حتی اگر بیشتر از یک ماه طول بکشد، هنرمندان تئاتر واقعا به مشکل مالی بر خواهند خورد. من از نزدیک با این دوستان در ارتباطم. به نظرم کمک هزینه‌هایی که از طرف صندوق هنر در دوران کرونا پرداخت شد، مسیر درستی بود. یک جور دلگرمی برای هنرمندی که سرمایه فرهنگی این کشور هستند. در این دوره نیز به مثابه خود بحران باید برنامه‌ریزی‌های برای هنرمندان در نظر گرفته شود.

در خور تماشاگر و ارائه دهند، وقتی قائله و ورق به بیکاره برمی‌گردد، اتفاقی بیشتر از ناامیدی را شاهد هستیم، چیزی شبیه به رکب خوردن و یا ضربه‌ای ناگهانی که انتظارش را نداشتی، اما چه میشود کرد؛ جنگ همین است هیچ چشم انداز روشن و مشخصی ندارد، حتی خبر هم نمی‌دهد که بتوان بر اساس آن تخمین زد و برای ما هنرمندان در شرایط امروز، هر اقدامی مثل راه رفتن در تاریکی است.

تئاتر یک هنر گروهی است و نیاز به یک جمع همدل و همراه دارد و از طرفی در وابستگی و تنیدگی شدید تماشاگر و مخاطب است، با این مولفه‌ها من احساس می‌کنم، دوره حاضر یکی از پرریسک‌ترین شاخه‌های هنری، حرفه تئاتر است، با این وضع می‌خواستیم بدانم در حال حاضر چه برنامه‌ای برای آینده دارید؟

به اصرار شدید مادرم و به خاطر آرامش

شروع این جنگ برای همه ما غافلگیرکننده بود و متأسفانه یکی از اصنافی که با کوچکترین تحول در کشور آسیب دیده و بعضاً تعطیل می‌شود، حرفه و هنر مقدس تئاتر است، چندی پیش نمایش «منگی» را روی صحنه داشتید با این حال دوست دارم از خودتون بشنوم، چه شد؟ برای خودتون و بازیگران نمایش با شروع جنگ چه اتفاقی افتاد؟

برای نمایش منگی سه اتفاق خوب داشت رقم می‌خورد که با شروع جنگ، همه از بین رفت. نمایش منگی در جشنواره گرجستان پذیرفته شده بود و قرار بود اول مرداد، به اتفاق گروه به گرجستان سفر کنیم و در این جشنواره حضور داشته باشیم. همچنین برای این نمایش امید به حضور در جشنواره‌های فرانسه و ارمنستان هم وجود داشت، که با این اوضاع حتی قابل پیگیری نیست. همچنین با گروهی از بازیگران دغدغه‌مند و حرفه‌ای تئاتر در حال تمرین یک نمایش بودیم که با وضع پیش آمده، تمرین‌ها تعلیق شد، همچنین به تازگی موفق شده بودم نمایشی که از قدیم برای آن برنامه‌ریزی کرده بودم و در ساختار یک مونولوگ بود را به اجرا نزدیک کنم که متأسفانه همه این برنامه‌ها با شروع جنگ به حالت تعلیق و تعطیل درآمدند.

همیشه در آغاز جنگ، شرایط برای همه بحرانی‌تر و بغرنج‌تر است، شرایطی که هنوز نمی‌دانی این اتفاق تا چه اندازه عمیق است و تا چه زمان قرار است، طول بکشد....

بله، در حال حاضر شاهد هستیم که تمام برنامه‌های نمایش اعم از کوتاه مدت، بلند مدت و در حال اجرا به تعلیق درآمده‌اند. این حرف‌ها در گفتن ساده است، برای آماده شدن یک نمایش از تمرین تا اجرا، زمانی حدوداً یکسال و شاید هم بیشتر صرف می‌شود، فارغ از هزینه‌های جانبی و سنگین دکور، یک گروه همدلانه شب و روزشان را می‌گذارند تا اجرایی

امین سعدی
یکسی از
کارگردانان

سمیه خاتونی
گفت‌وگو

فعال در تئاتر ایران است، او در بیش از ده نمایش صحنه‌ای در کسوت، بازیگر، نویسنده و کارگردان حضور داشته، او با کارگردانی نمایش «ساپو» و «منگی» دواثر که یکی اقتباس از مالون می میرد بکست بود و دیگری اقتباس از رمان منگی بودف توجه منتقدین را به خود جلب کرد. وی از معدود کارگردانان در حوزه نمایش است که بیشتر از آنکه به دنبال جلب رضایت عمومی و فروش گیشه باشد، مسئله اثر و گفتمان آن با جهان حاضر و ناظر برایش مهم است. او در اثر ساپو مسئله مسخ انسان در دوران مدرن را مورد نقد قرار داد و در اثر منگی انسان بی وطنی را تصویر کرد که دیگر هیچ جای دنیا برای او امن نیست، انسانی که به بهانه زندگی هر روز می‌میرد و زنده میشود و جهان را شبیه به کشتارگاهی دید که در آن انسانیت رو به تباهی است. سعدی در دواثر نمایشی اخیر خود، به دنبال چهره‌های شاخص در تئاتر و بازیگران شناخته شده نرفته است، برای او همچنان اثر و جایگاه نمایش به مثابه تفکر و نقد محیط در اولویت است. خبرنگار صبا در این روزهای پر تلاطم به سراغ او رفت تا روایت او را از جنگ و چالش‌های هنرمندان تئاتر در شرایط حاضر بشنود.